

تفسیر آیه دوم تا پنجم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ
كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (2) إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ
أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ
وَأَجْرٌ عَظِيمٌ (3) إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ الْجُبُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ
(4) وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (5)

ترجمه:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صداهاى خود را بالاتر از صداى پیامبر (ص) نبريد، و در برابر او با فریاد سخن مگويد، آن گونه که بعضى از شما در برابر بعضى ديگر، با صداى بلند سخن مى گوید، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالى که نمى دانيد.

آنان که صداى خود را نزد رسول خدا پايين مى آورند، کسانی هستند که خداوند دلهايشان را برای تقوا آزموده، و برای آنان آمرزش و پاداشى عظيم است.

آنانکه تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا مى زنند، بيشتريشان بدون خرد هستند.

و اگر آنها صبر می‌کردند تا خود به سوی آنان بیایی، برای آنان بهتر بود؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است.

شرح:

این آیات شریفه، پیرامون ضرورت رعایت ادب و احترام در گفتگوی مسلمانان با رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله)، سخن می‌گوید.

یکی از نکات مهمی که از آیات یاد شده استنباط می‌گردد این است که عدم مراعات ادب در گفتگو که به آن اشاره شد، می‌تواند موجب "حبط عمل"، یعنی نابودی اعمال صالحی که توسط یک فرد انجام گرفته است بشود. از اینرو، امام علی (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید:

"لا شَرَفَ مَعَ سُوءِ الْأَدَبِ". (کتاب غرر الحکم)

یعنی: با سوء ادب، هیچ شرافتی باقی نمی‌ماند.

در مقابل، داشتن ادب، برخی از عیوب انسان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و باعث می‌گردد که مردم نواقص یک شخص را نادیده بگیرند. در این زمینه نیز، امیر مؤمنان (علیه السلام) چنین می‌فرماید:

"حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قَبِيحَ النَّسَبِ". (همان منبع)

یعنی: زیبایی ادب، زشتی نسب را می پوشاند.

بزرگان دین ما در زمینه معیارها و موازین ادب، سخنان نغزی گفته اند که به برخی از آنها اشاره می نمایم:

امام علی (ع) می فرمایند:

"كفاك أدبا لِنَفْسِكَ إِجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ".

یعنی: در ادب تو همین بس که از آنچه از غیر خودت نمی پسندی، اجتناب نمایی.

در حدیثی دیگر می فرماید:

"أَفْضَلُ الْأَدَبِ أَنْ يَقِفَ الْإِنْسَانُ عَلَى حَدِّهِ وَ لَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ".

برترین ادب آن است که انسان، حدّ خود را بشناسد و از قدر خود تجاوز نکند.

یکی از نشانه های ادب این است که سخن انسان ، آراسته به زیور اخلاق و زیبایی بیان باشد، و از بدگویی و هرزگی در کلام، پرهیز شود.

امام علی (علیه السلام) در این زمینه چنین می فرماید:

"لَا أَدَبَ لِسُنِّي الثُّطُقِي".

یعنی: کسی که بد سخن باشد، فاقد ادب است.

به منظور بیان ارزش فوق العاده ادب در زندگی، امیر مؤمنان (علیه السلام) در روایتی دیگر، چنین می فرماید:

"خَيْرَ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ الْأَبْنَاءَ الْأَدَبُ".

یعنی: بهتری میراثی که پدران می توانند برای فرزندان خود بر جای بگذارند، ادب است.

در این زمینه، داستان کوتاهی وجود دارد که نشان از ادب و اخلاق زیبای رسول گرامی اسلام، دارد.

در کتاب تفسیر "الدر المنثور" ، نوشته جلال الدین سیوطی، چنین آمده است :

وقتی آیه "يا ايها الذين امنوا لا ترفعوا اصواتكم فوق صوت النبي ... " نازل گردید، ثابت بن قیس بن شماس که صدایی بلند داشت گفت : این من بودم که صدایم را بلند کردم ، و حتما اعمال صالح من حبط شده است، و از اهل دوزخ گردیده ام .

این شخص از آن به بعد غمگین در خانه خود نشست و دیگر در مسجد حضور نیافت. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) روزی از اصحاب خود پرسید: ثابت بن قیس کجا است که او را نمی بینم؟

بعضی از حاضران شتابان به سراغ وی رفتند و پیام آن حضرت را به او رساندند و گفتند: مگر تو را چه شده است که به مجلس رسول خدا نمی آیی؟

ثابت گفت: من صدایم را بلندتر از صدای رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) کرده ام، و آیه شریفه در باره من نازل شده، و اینک همه اعمال شایسته ام تباه گشته و اهل آتش شده ام.

فرستادگان پیامبر به حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) رسیدند، و جریان را باز گفتند.

آن حضرت فرمود: نه، او اهل آتش نیست، بلکه اهل بهشت است. این بود تا آنکه ثابت در حادثه جنگ "پمامه" به شهادت رسید.

از این حکایت کوتاه، نکات ارزنده ای بدست می آید. نخست اینکه ادب پیامبر (ص) و اخلاق زیبای اجتماعی ایشان را نشان

می دهد که پس از ندیدن یکی از یاران خود، بلافاصله سراغ او را می گیرد و احوال او را می پرسد، گرچه در زمانی آن شخص با عدم رعایت آداب گفتگو با ایشان سخنی گفته است.

دیگر آنکه آن حضرت از اشتباهات جزئی وی می گذرد و خدمات گذشته و آینده افتخار آمیز او را در نظر می گیرد و آن صحابی رنجیده را دلداری می دهد و دوباره به آغوش محفل نورانی و معنوی خود فرا می خواند.

از سوی دیگر، با اینکه هر فردی در هر لحظه در معرض هدایت یا ضلالت است و تضمینی برای بهشتی شدن یا دوزخی بود یک انسان به صورت عادی وجود ندارد، خبر دادن رسول خدا به اینکه ثابت ابن قیس از اهل بهشت است، نشانه علم آن حضرت به مغیبات و آینده افراد بشر است.

همانگونه که ملاحظه فرمودید، این پیشگویی پیامبر گرامی به وقوع پیوست و آن صحابی با شهادت خود در یکی از نبردهای صدر اسلام، سعادت ابدی خود و استقرار در بهشت برین را برای خویش تضمین نمود.
